اندیشکده راهبردی تبیین
مجموعه مقالات - بهمن ماه ۱۳۹۵

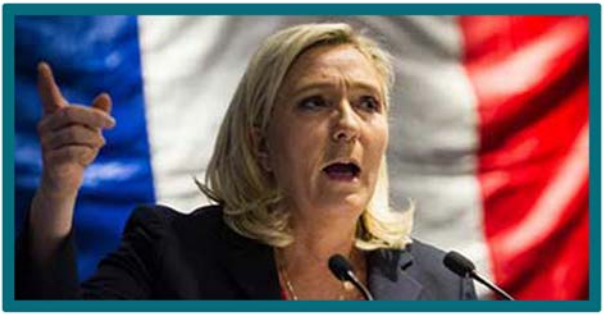

انتخابات آمریکا و قدرت‌یابی جریان‌های راست در اروپا؛ فاشیسم یا ملی‌گرایی لیبرال؟

بسم الله الرحمن الرحیم

مجموعه مقالات

انتخابات آمریکا و قدرت یابی جریان های راست در اروپا؛ فاشیسم یا ملی گرایی لیبرال؟

کاری از اندیشکده راهبردی تبیین

وبسایت اندیشکده : www.Tabyincenter.ir

نشانی : تهران، خیابان پاسداران، چهارراه فرمانیه، خیابان شهید آیت الله نمر (بوستان سابق)، خیابان نسترن، پلاک ۳۲

کد پستی : ۱۹۵۷۶۶۴۷۳۴

تلفن : ۲۶۱۵۳۳۲۹

نمابر : ۲۶۱۵۳۲۳۹

فهرست

مقدمه / ۲

۱- نگاهی تاریخی به سیاست خارجی مصر در قبال عراق / ۳

۲- موضع السیسی در قبال حضور داعش در عراق / ۸

۳- موضع مصر در قبال حشدالشعبی / ۱۰

۴- ویژگی‌های عراق مطلوب مصر / ۱۲

۵- فرصت‌های نزدیکی مصر و عراق به برای ایران / ۱۳

منابع / ۲۱

(جهت دسترسی آسان تر به مطالب، می‌توانید روی عنوان مورد نظر کلیک کنید)

مقدمه

دونالد ترامپ در حالی به قدرت رسید که شعارهای وی مبتنی بر بیگانه‌ستیزی با نشانه‌هایی از نژادپرستی و واکنش به لاتین‌تبارها و مسلمانان، برای رأی‌دهندگان آمریکایی جذابیت داشت و رأی آن‌ها ترامپ را به صندلی ریاست بر بزرگترین قدرت نظامی جهان نشاند. در نگاه اول این امر تداعی‌گر این نکته در ذهن است که گویی فاشیسم در حال قدرت‌گیری است و مانند سال ۱۹۳۳ در آلمان، قدرت در اختیار دیکتاتوری خطرناک قرار گرفته است، اما از طرف دیگر، برنی سندرز به عنوان نماد نوع دیگری از ملیگرایی مورد توجه بسیاری از جوانان آمریکایی قرار گرفت و رقابت نزدیکی را با هیلاری کلینتون انجام داد. با توجه به دو پدیده‌ی ترامپ و سندرز باید سعی کرد این تحولات را طور دیگری تحلیل نمود، چرا که شعارهای سندرز مبتنی بر سوسیال دموکراسی و رد هر نوع نژادپرستی نیز مورد توجه قرار گرفت.

اندیشکده راهبردی تبیین

بازگشت به فهرست

انتخابات آمریکا و نشانه‌هایی برای تغییر ذائقه مردم

دو پدیده‌ی ترامپ و سندرز نشان از وقوع تغییراتی در ذائقه‌ی مردم آمریکا دارند و ویژگی بارز هر دوی آن‌ها نقد شدید نظام حاکم بر آمریکاست. سندرز صراحتاً از انقلاب در سیاست‌ها صحبت و ترامپ سیاست‌های داخلی و خارجی را شدیداً نقد کرد. اما آنچه امروز پس از رأی‌آوردن ترامپ و تأثیر آن بر جوامع اروپایی مد نظر است، درک این نکته است که چه اتفاقی در حال وقوع بوده و جنس پدیده‌های در حال وقوع چیست؟

امروز پژواک آنچه در آمریکا در حال وقوع است در لهستان، مجارستان و بریتانیا (در مورد ایده‌ی خروج از اتحادیه‌ی اروپا) به وضوح مشخص است، سیاست‌های بیگانه‌ستیزانه و تقابل با مسلمانان در دانمارک نیز نشانه‌هایی از تشدید جریانی جدید است. رویای اروپای واحد پس از نازیسم، گویی با پدیده‌ای جدید رو به رو شده

برای عضویت در کانال اندیشکده روی لینک روبرو کلیلک نمایید: @Tabyincenter

که با همان مشخصه‌های نازیسم در کشورها در حال وقوع است و این سؤال را پیش آورده که آیا لیبرال دموکراسی به آخر خط رسیده است؟

فراز و فرودهای جهانی و سیاست‌های لیبرال دموکراسی

لیبرالیسم، یعنی آن چه در قرن ۱۹ در جریان بود، با آن چه امروز در اروپا و آمریکا ظاهراً رخ نموده است تفاوت چندانی نداشت. دموکراسی برای مردان سفیدپوست معنا پیدا می‌کرد و جریان جدید نیز ظاهراً در همین حدود در حال تعریف مفاهیمی مانند «ملت» و «حق» است و سعی دارد رنگین‌پوستان را از میوه‌ی دموکراسی محروم کند. لیبرال دموکراسی زنجیر مرزها را از پای انسان اروپایی باز کرد و بروکرات‌های فرانسوی و آلمانی را مجاب ساخت که می‌توان در کنار تبادل فرهنگی، پذیرش تنوع فرهنگی و

برای عضویت در کانال اندیشکده روی لینک روبرو کلیلک نمایید: @Tabyincenter

همکاری، جهانِ بهتری متصور بود. رویایی که امروز در دل این جوامع با قوت گرفتن جریاناتی دیگر مورد تردید قرار گرفته است.

اتحادیه‌ی اروپایی لیبرال از سوی آمریکای ورای اقیانوس، حمایت می‌شد. تلاش ایالات متحده برای این- که فرانسه و آلمان غربی کینه را کنار بگذارند و اروپا را از شر تخاصم نجات دهند، برای کنار رفتن مرزها و تولید ملت واحد در سایه‌ی پان‌اروپاییسم بود؛ اتحادی که در دل آن احترام به دموکراسی و حقوق بشر نهفته است. اروپای جدید مولد اندیشه‌هایی بود که برای دوری از تخاصم نیاز بود، اما با تغییرات در آن سوی اقیانوس (با انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و برگزیده شدن ترامپ)، گویی تلاش‌ها برای ساخت یک اتحادیه‌ی لیبرال مبتنی بر ارزش‌های دموکراسی و حقوق بشر و اقتصاد آزاد، فراتر از مرزها با تردیدهای جدی مواجه شده است.

برای عضویت در کانال اندیشکده روی لینک روبرو کلیلک نمایید: @Tabyincenter

دلارهای آمریکایی در قالب طرح مارشال، فرانسه و آلمانِ پس از جنگ را بازسازی کرد و رابطه‌ی این دو را بهبود بخشید به‌گونه‌ای که هم‌اکنون جنگ بین این دو کشور غیرمحتمل است. جنگ سرد با فروپاشی شوروی به آخر رسید و فوکویاما از پایان تاریخ سخن گفت؛ جایی که قرار بود لیبرال دموکراسی و رفاهِ حاصل از سرمایه‌داری، پیشران ملت‌ها باشد. به‌فاصله‌ی اندکی یوگسلاوی فروپاشید و چهره‌ی زشت نژادپرستی این بار در قاب نسل‌کشی گسترده مسلمانان مجدداً رخ نمود و تردیدهای جدی در برابر پایان تاریخ با پیشتازی لیبرالیسم ایجاد کرد. پوتین از خاکستر شوروی برخاست و روسیه با تمام ظرفیت و کارت‌های شوروی شروع به ایفای نقش در بازی‌های بین‌المللی کرد.

با طرح نظریه‌ی برخورد تمدن‌ها از سوی ساموئل هانتینگتون و سپس اشغال دو کشور اسلامی توسط آمریکا در دوره‌ی بوش پسر، گویی ستون‌های جهان مدرن در حال فروپاشی بودند. رأی آوردن باراک اوباما آب سردی بود بر آتشی در جهان رو به افراط؛ از سوی دیگر نیز مدود فِ

برای عضویت در کانال اندیشکده روی لینک روبرو کلیلک نمایید: @Tabyincenter

خواهان همکاری با غرب در روسیه به قدرت رسید و بارقه‌هایی از امید را به وجود آورد.

اروپا در چه وضعی است؟

پوتین مجدداً به قدرت برگشته است، اروپای امروز غرق در بدبینی نسبت به لیبرالیسم ایده‌آل است و آن را به چشم عامل مشکلات می‌بینند. بیگانه‌ستیزی و اسلام‌ستیزی در اوج قرار دارد و مسلمان‌ستیزی جایگزین یهودی‌ستیزی شده است. پاپ فرانسیس در سخنرانی خود در سال ۲۰۱۴ در استراسبورگ گفت: «ایده‌های بزرگ با الهام از اروپا[ی واحد] جذابیت‌های خود را از دست داده است و تنها نهادهای بروکراتیک تکنیکی وجود دارد.»

مجارستان بهترین نمونه برای بررسی آن چیزی است که در حال وقوع است، این کشور که بنا به ادعا، شاهد یکی از بزرگترین کشتارهای یهودیان در جنگ جهانی

برای عضویت در کانال اندیشکده روی لینک روبرو کلیلک نمایید: @Tabyincenter

دوم بود، بعد از جنگ و در سال ۱۹۵۶ یکی از جانانه‌ترین مقاومت‌ها را در برابر کمونیست‌ها به نمایش گذاشت و در دهه‌ی آخر قرن گذشته به دموکراسی رسید و در نهایت به عضویت اتحادیه‌ی اروپا دست یافت. بسیاری می‌اندیشیدند که این انتهای راه است، اما مشخص شد که ابتدای نگرانی‌هاست. در مجارستان که کشوری کوچک با اقتصادی ضعیف در یک بازار بزرگ و رقابتی است، ترس برای زبان و فرهنگ و هویت به طور کلی رخ نموده و یاد امپراتوری اتریش مجارستان برای ملت مجار زنده شده است. مجارها شاید خیلی تمایل نداشته باشند در تاریخ نامشان در کنار نازی‌ها و به عنوان همدست آنها در شرق اروپا آورده شود. اوربان که از راست‌گراهای افراطی است قدرت را در این کشور به دست گرفته و اکنون در برابر ستون‌های مهاجران مسلمان به عنوان سپر دفاعی اروپای مسیحی در حال ایفای نقش است.

وی به بهانه‌ی امنیت در حال سرکوب و ساکت کردن رسانه‌هاست و تصاویر مهاجرانی که پشت سیم خاردارها

برای عضویت در کانال اندیشکده روی لینک روبرو کلیلک نمایید: @Tabyincenter

مانده‌اند، برگه‌های رأی را به نفع او به صندوق می‌ریزد و تصور تکرار تاریخ در پیش چشم بعضی ناظران قرار گرفته است.

آیا اروپا به دهه ۴۰ میلادی بازگشته است و مجدداً شاهد فاشیسم در آن هستیم؟

هر چه رسانه‌ها بیشتر به جریان‌های راست افراطی تهمت فاشیسم می‌زنند، پیروزی‌های بیشتری نصیب این جریانات در صندوق‌های رأی می‌شود. گویی همان‌گونه که فاشیسمِ بعد از جنگ اول جهانی، از صندوق‌های رأی سربرآورد، جریان جدید نیز مولود صندوق‌های رأی است. این یک پارادوکس است: تکیه بر برچسب نازی و خاطره‌ی آن، دیگر مانند گذشته کارایی ندارد و مانع قدرت گرفتن احزاب راست افراطی نمی‌شود. ۷۰ سال با استفاده از این برچسب این اطمینان وجود داشت که احزابی که

برای عضویت در کانال اندیشکده روی لینک روبرو کلیلک نمایید: @Tabyincenter

سیستم فعلی را بر نمی‌تابند توان قدرت‌گیری نخواهند داشت.

اما این تفسیر از این پدیده یک تفسیر ناقص است. در عصر وستفالیایی، دولت-ملت به‌عنوان واحد سیاسی و محل زندگی سیاسی شناخته شد. نهادهایی مانند اتحادیه اروپا و یا قراردادهای تجاری آزاد که سعی در کمرنگ کردن دولت-ملت داشتند، با این موج جدید دچار مشکل شده‌اند. این نهادها و قراردادها با منافع ملی در تعارض قرار گرفته‌اند و همین باعث تشدید واکنش‌ها به آنها شده است. تلاش برای نام‌گذاری این موج تحت عنوان فاشیسم، برای تقابل با حیات مجدد جریان‌های ملی و تلاش برای حفظ سیستم‌های چند ملیتیِ پس از جنگ جهانی دوم است.

برای عضویت در کانال اندیشکده روی لینک روبرو کلیلک نمایید: @Tabyincenter

ملی‌گرایی، هسته‌ی اصلی لیبرال دموکراسی

ناسیونالیسم هسته‌ی اصلی لیبرال دموکراسی است. امپراتوری‌های چندملیتی مبتنی بر استبداد، حکومت‌هایی بودند که دموکراسی و حقوق بشر را رد می‌کردند، در برابر آشوب‌های ملی‌گرایانه از هم فرو پاشیدند. تلاش مردم آمریکا علیه انگلیس جریانی ملی‌گرایانه بود[۱] آشوب‌های فرانسه که نتیجه‌ی آن جمهوری بود، بر شعارهای ملی‌گرایانه سوار شده بود. تمامی انقلاب‌های لیبرال قرن ۱۹ میلادی در اروپا با شعارهای ملی‌گرایانه همراه بود و هسته‌ی اصلی لیبرال دموکراسی، ملی‌گرایی بود.

تفاوت فاشیسم با ملی‌گرایی

فاشیسم و ملی‌گرایی با یکدیگر دو تفاوت عمده دارند؛ در کشورهای فاشیستی، در سیاست داخلی منتقدین و مخالفان ساکت می‌شوند و اجازه‌ی نقد داده نمی‌شود.

برای عضویت در کانال اندیشکده روی لینک روبرو کلیلک نمایید: @Tabyincenter

اما در کشورهایی که احزاب ملی‌گرا به قدرت رسیده‌اند، حق انتقاد برای مخالفان باز است، سیاستمداران از طریق صندوق رأی به قدرت رسیده‌اند و انتخابات را تعطیل نخواهند کرد و همچنان تکثر در دل جامعه باقی خواهد ماند. تفاوت دوم در سیاست خارجی است؛ ناسیونالیست‌ها در پی تعدی به حقوق دیگران و یا تجاوز به دیگر کشورها نبوده و در پی تقویت مرزهای ملی هستند، حال آنکه فاشیسم به صورت تاریخی در حال حمله به حقوق دیگر ملل در جهت دستیابی به منافع شخصی، تأکید بر برتری ذاتی نژادی و حق پیگیری آن در قامت یک ملت بود.

انگلیسی‌ها با تکیه بر این ایده که بخشی از اتحادیه‌ی اروپا ماندن به نفع آن‌ها نیست، در حال جدا شدن از آن‌اند. تأکید بر سیاست‌های ضد مهاجرتی احزاب در حال قدرت‌گیری در اروپا نیز نشأت گرفته از لیبرال دموکراسی و دفاع از شعار اصلی آن یعنی ملی‌گرایی است و با فاشیسم متفاوت است. شعارهای جدید، تأکید مجدد بر دموکراسی لیبرال سنتی است که هسته‌ی آن دولت-ملت خودمختار است،

برای عضویت در کانال اندیشکده روی لینک روبرو کلیلک نمایید: @Tabyincenter

همان چیزی که سازمان ملل متحد بر آن بنا نهاده شده است.

پیروزی احزاب دست راستی تأکید بر این نکته است که حق تعیین سرنوشت ملی برای مردم، به دلیل بروز ناکارآمدی در نهادهای کم‌رنگ‌کنندهی مرزهای ملی مجدداً اهمیت یافته است.[۲]

لیبرال دموکراسی به ملت‌ها چیزی را دیکته نمی‌کند، عضویت در یک سازمان بین‌المللی، اتخاذ سیاست تجارت آزاد، حمایت از تولیدات و یا حذف مهاجران، همگی این‌ها را به تصمیم مردم و یا نمایندگان آن‌ها واگذار می‌کند. این انتخاب میتواند عاقلانه، غیرعاقلانه و یا حتی غیرعادلانه باشد. با این حال در لیبرال دموکراسی قدرت در انتخاب و اتخاذ تصمیم مردم است.

آنچه ما امروز در اروپا شاهد آن هستیم، بروز اراده‌ی مبتنی بر دولت-ملت در برابر عضویت در اتحادیه‌ی اروپا، ناتو و موافقت‌نامه‌های تجاری و به همان اندازه در مورد

برای عضویت در کانال اندیشکده روی لینک روبرو کلیلک نمایید: @Tabyincenter

حق کنترل مرزها است. افراد منطقی می‌توانند اختلاف نظر داشته باشند و آن را در روند سیاسی هر کشوری که قدرت برای تغییرات در سیاست از طریق صندوق‌های رأی است، حفظ کنند. هیچ تضمینی وجود ندارد که تصمیم شهروندان عاقلانه خواهد بود. افزایش ملی‌گرایی در اروپا نتیجه‌ی شکست اتحادیه‌ی اروپا در هشت سال پس از ۲۰۰۸ است. این اتحادیه از مهار بحران و بهبود اوضاع اقتصادی عاجز مانده است، با وقوع سیل مهاجران هنوز نتوانسته سیاست منسجم و موثری را اتخاذ کند و همین امر می‌تواند این سؤال را در ذهن شهروندان تقویت کند که آیا باید در اتحادیه‌ی اروپایی باقی بمانند؟ همین سوال برای ترامپ و رأی‌دهندگان به وی وجود دارد که آیا باید جزیی از تجارت آزاد و ناتو باقی بمانند؟

همانگونه که در دهه ۵۰ میلادی، مک کارتی با اتهام و برچسب کمونیست با بسیاری برخورد کرد، امروز همان جوّ در اروپا و آمریکا هویدا شده است و عده‌ای با برچسب فاشیست در حال برخورد با کسانی هستند که سیستم

برای عضویت در کانال اندیشکده روی لینک روبرو کلیلک نمایید: @Tabyincenter

فعلی را رد می‌کنند. شاید در بین حامیان موج جدید، فاشیست‌هایی وجود داشته باشند، اما با توجه به نهادینه شدن لیبرال دموکراسی، تقویت سیستم قضایی و نیز تغییر فضای سیاسی جوامع، قدرت‌گیری مجدد فاشیسم مبتنی بر نژادپرستی و تظاهرات خشونت‌آمیز برای برتری نژادی قابل تصور نیست.

ما شاهد بازگشت به ناسیونالیسم در اروپا و آمریکا هستیم، به دلیل آن که انترناسیونالیسم منافع و جذابیتش را برای ملت‌های این کشورها از دست داده است.

احزاب جبهه‌ی ملی در فرانسه AFD[۳] را آلمان و حزب آزادی اتریش، ایدئولوژی خود را بر بیگانه‌ستیزی در درون مرزها و مبتنی بر ملی‌گرایی و تقابل با سیستم فعلی بنا کرده‌اند و به دنبال تعدی به دیگران یا حتی در پی برتری نژادی نیستند و تقابل آن‌ها با چیزیست که خودمختاری دولت-ملت را کم‌رنگ کرده است.

برای عضویت در کانال اندیشکده روی لینک روبرو کلیلک نمایید: @Tabyincenter

پی‌نوشت:

[۱] http://www.artsdome.com/zerglingsphinx/article/nationalism.htm

[۲] https://www.quora.com/What-is-the-difference-between-ultra-nationalism-and-fascism

[۳] Alternative für Deutschland, AfD

برای عضویت در کانال اندیشکده روی لینک روبرو کلیلک نمایید: @Tabyincenter

آنچه امروز پس از رأی آوردن ترامپ و تأثیر آن بر جوامع اروپایی مد نظر است، درک این نکته است که چه اتفاقی در حال وقوع بوده و جنس پدیده‌های در حال وقوع چیست؟ آیا فاشیسم دگرباره به صحنه سیاسی- اجتماعی اروپا بازگشته یا این تنها برچسبی است که فراملی‌گرایان لیبرال در دفاع از اروپای واحد بر ملی‌گرایان لیبرال می‌زنند؟

نشانی پایگاه اینترنتی: www.Tabyincenter.ir

شماره تماس جهت اعزام سخنران: ۰۲۱-۲۶۱۵۳۲۳۹

شبکه (کانال) اندیشکده راهبردی تبیین در تلگرام: @Tabyincenter